

سهم اخبار کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی صنعتی فولاد اهواز کجاست؟ ایرنا؟ فارس؟ اخبار بیست و سی؟ | دلیل این همه بی‌اعتنایی و نادیده انگاشتن صدای اعتراض کارگران را در کجاها باید جستجو کرد؟

کارگران یک بار شعار دادند و یک بار عمل کردند!



اگر اعتصاب کارگران شرکت نفت آبادان در نوروز ۱۳۰۸ هجری شمسی را مبنای اولین حرکت اعتراضی کارگران صنعتی قرار بدسیم پربیراه نگفته‌ایم. محمود طاهر احمدی اعتقاد دارد اعتصاب و اعتراض کارگران آبادان با هیچ یک از تحولات مشابه سال‌های قبل از جنگ دوم جهانی قابل قیاس نبود. اعتراضی که منجر به دستگیری ۲۰۰ نفر از افراد مرتبط با اعتصاب شد. کسانی همچون علی امید و یوسف افتخاری که از برنامه‌ریزان این اعتصاب تاریخی بودند و برخی دیگر که حتی تا پایان سلطنت رضا شاه همچنان در زندان ماندند. اما کارگران شرکت نفت آبادان در آن روزها چه خواسته‌هایی داشتند؟ «... فقدان مسکن، دستمزد کم و هجوم مهاجرین برای تحصیل و کار...» از جمله دلایل آنها برای اعتصاب بود. رقم بالای ۲۰۰ نفر کارگر بازداشتی، با احتساب تغییرات در شرایط سیاسی-اجتماعی جهان تا امروز باز هم رقم قابل توجهی است اما نکته در اینجا است که حتی با کم شدن ۲۰۰ کارگر از بدنه جنبش صنفی، شرکت نفت در مواجهه با کارگران مجبور به عقب‌نشینی شد. شرکت نفت که در آن روزها هنوز ملی نشده بود مجبور شد که حداقل دستمزد کارگران غیرفنی را ۵ ریال قرار دهد و دستمزد کارگران فنی را هم به همان نسبت افزایش دهد. حالا بعد از گذشت ۸۹ سال از اولین اعتصاب کارگران صنعتی خوزستانی، کارگران معترض کارخانه‌های نیشکر هفت تپه و فولاد برای تحقق خواسته‌هایشان بلندگو به دست گرفته‌اند، نماینده انتخاب کرده‌اند، سندیکای مستقل تشکیل داده‌اند، خواسته‌های خود را مشخص، معلوم و شفاف در بیانیه‌هایشان اعلام کرده‌اند و در جمع‌های کاملا مسالمت‌آمیز و به دور از هرگونه خشونت و بدون حمل سلاح گرم یا سرد و به پشتوانه‌ی پیلرسوت‌ها و ریوش‌های کارگری‌شان در جلوی درب‌های مجتمع یا حیاط کارخانه تجمع کرده‌اند. این کارگران بعد از هر تجمع دوباره برای چرخیدن چرخ‌های این کارخانه‌ی قدیمی به کارخانه بازگشته‌اند. معنی این حرکت آنقدر روشن و واضح است که عامدانه از هرگونه تفسیرپذیری می‌گریزد: «کارگر می‌خواهد کار بکند.» بله کارگر می‌خواهد در کارخانه‌ی خودش و با آرامش و اطمینان نسبت به بازنشستگی، از کار افتادگی، اخراج، تعدیل نیرو و... در حمایت قانون باشد. کارگر نیشکر هفت تپه به خوبی می‌داند که عقب افتادن سبد کالای ماه رمضان، بن کالا، عدم پرداخت به موقع بیمه، اضافه کاری و... یعنی در کمتر از چند ماه سرنوشتش شبیه کارگر کارخانه‌ی نوشابه‌سازی خرمشهر می‌شود. کارخانه‌ای که ابتدا به دلایلی چون بدهی صدمیلیونی به بانک و تامین نشدن هزینه‌های خطوط تولید جدید روزانه یکی یکی خط‌های تولیدش توسط مدیران پروازی از کار افتاد و در نهایت با خرید سنوات خدمت کارگران یک شبه صد نفر کارگر از دایره‌ی کار و فعالیت و پویایی اقتصادی بیرون گذاشته شدند تا کارخانه بعد از ۵ سال سرگردانی با ۳۲ نفر پرسنل بازگشایی شود. اگر روزی در روزهای تاریخ معاصر اعتصاب‌های کارگران صنعت نفت آبادان یا راه آهن یا گمرک و... به بدنه‌ی سیاست (آن هم از نوع حزب توده) متمایل بود و خواست و مطالبات سیاسیون از بدنه قدرت ناخواسته بر دوش کارگران صنعتی گذاشته می‌شد، سکوت و بی‌تفاوتی امروز نیروهای موثر سیاسی استان خوزستان و بی‌کنشی آنان به خواسته‌های به حق کارگران نشان داد که هیچ بار سیاسی و جناحی بر گردن این کارگران شریف هفت تپه‌ای و فولادی نیست و خواسته‌های صنفی این کارگران بی‌نام و نشان برای هیچ کدام از گروه‌های مدعی سیاست‌ورزی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، استاندار و فرمانداران و اعضای شوراهای شهر... قابل توجه و پیگیری نیست و عملاً کارگران زحمتکش در دور باطل [اعتراض‌های] بدون نتیجه گیر افتاده‌اند. [اعتراض] به عنوان بخشی از راه‌حل و رسیدن به خواست‌ها و مطالبات صنفی در خوزستان قبل از انقلاب همچنان که مورد توجه جنبش کارگری درون استان بود، الهام‌بخش کارگران بخش‌های صنعتی در دیگر نقاط کشور هم بوده است و در دو مقطع حساس تاریخی نتیجه‌ی مجموعه [اعتراض‌ها] در همراهی با اراده‌ی مردم دستاوردهای بزرگی همچون ملی شدن نفت و پیروزی انقلاب ۵۷ را از مسیر خوزستان کلید زده است. حال چگونه است که خواسته‌های کارگران خوزستانی در این مقطع حساس تاریخی شنیده نمی‌شود؟ به راستی دلیل این همه بی‌اعتنایی و نادیده

انگاشتن صدای اعتراض کارگران خوزستانی را در کجاها باید جستجو کرد؟ در بی‌انگیزگی استاندار جوان که امیدهای فعالان سیاسی را در جلوی پروژه انتصاب‌ها و جابه‌جایی مدیران بی‌کفایت قربانی می‌کند؟ یا نماینده مجلسی که به رغم سکونت مجانی در بهترین برج پایتخت هنوز هم با توپ پر از وزارتخانه‌ی نفت گلابه‌های سیاسی دارد؟ یا نمایندگانی که حفظ رای درحوزه انتخابی‌شان را به هر چیز دیگری ارجح می‌دانند و همچنان با ترس نسبت به نظارت استصوابی چشم‌شان را بر روی واقعیت فشار اقتصادی کارگران خوزستان می‌بندند؟ رادیکال‌ترین شعار سال‌های اخیر نسبت به بی‌تفاوتی مسوولین و فاصله طبقاتی را کارگران فولاد خوزستان در نمازجمعه بیان کردند: «مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر» و رادیکال‌ترین وضعیت زیستی را هم سبزی‌فروش خرمشهری و کارگر شهرداری آبادان با خودسوزی و مرگ رقم زدند؟ به راستی مدعیان خوزستان تا چه زمانی می‌خواهند رسیدگی به وضعیت کارگران را به تعویق بیندازند؟ کارگران یک بار شعار دادند و یک بار عمل کردند... روزنامه‌های سفید کافی است نگاهی بیندازیم به اخبار این روزهای استان خوزستان تا از حجم اخبار عجیب و غریب یکه بخوریم. از اسیدپاشی به ماموران شهرداری اهواز تا تجاوز به کودک شوشتری. از رگبار گلوله و کشته شدن دو شهروند آبادانی در کنار اروند صغیر تا سرقت مسلحانه خونین در گنوند. از دستگیری عضو سرشناس شورای شهر آبادان تا دستگیری شهردار پیشین و سه عضو شورای شهر اروند کنار. از نزاع خونین طایفه‌ای در شوشتر تا قتل دختری بیمار توسط برادرش در بیمارستان گلستان اهواز... در کنار اینها بگذارید اخبار سیل و آب گرفتگی و ریزگردها و زلزله و... در میان این اخبار ناگوار و کلافه کننده سهم اخبار کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و کارگران شهرداری‌های آبادان و خرمشهر و... کجاست؟ ایرنا؟ فارس؟ اخبار بیست و سی؟ اخبار بعد از ظهر صداوسیما خوزستان؟ یا سایت‌ها و پایگاه‌های خبری خوزستانی؟ یا روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های استانی؟ آیا سهم کارگرانی که حتی بدنه مردمی شهر شوش را هم درگیر این اعتراض‌ها کرده است یک گزارش میدانی نیست؟ یک یادداشت آسیب شناسانه؟ یک گفتگوی شفاف با نمایندگان سندیکای مستقل کارگران؟ یک گفتگو با تنها کارگر زنی که سخنگوی بخشی از این اعتراض‌ها بود؟ دانشجویان خوزستانی عضو انجمن‌های اسلامی کجا هستند؟ اعضای هیات‌های علمی دانشگاه‌های مختلف خوزستان کجا هستند؟ چطور می‌شود باور کرد که دانشجویان و اعضای هیات‌های علمی برای ابراز تاسف از فوت یک چهره سیاسی اقدام به انتشار بیانیه می‌کنند اما در مقابل فریاد کارگران سکوت کرده‌اند؟ به راستی خانه احزاب خوزستان در مقابل کارگران هفت تپه‌ای هیچ‌گونه مسوولیت سیاسی و تاریخی ندارد؟ عجیب نیست که صدای کارگران بی پناه و بی نصیب از تریبون باید از اینترنت‌نشال و شبکه من و تو و پخش شود. وقتی به یمن وجود کارت‌های هدیه خبرنگار، سهمیه استخر وب اشگاه و رستوران، ترس از مسدود شدن مسیر آگهی‌های دولتی و غیردولتی و نگرانی از کم شدن رانت خبری روابط عمومی‌ها باید هم شاهد عدم پیگیری اخبار صحیح و بی‌طرفانه از وضعیت کارگران در اخبار نویسی روزانه رسانه‌های خوزستان باشیم. نتیجه‌ی همبستگی و همیاری مدعیان آزادی مطبوعات با مدیران مسوول بی‌کفایت خفگی خوزستان است در بی‌گرد و غبارترین روزها... یادداشتی از ماندانا صادقی | روزنامه نگار آبادانی منبع/ انصاف نیوز

برچسب‌ها: [هفت تپه](#) [1]  
[اعتراض](#) [2]